

موضوع:

«نقش دانشجویان دانشگاه پیام نور
در انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه»

زیر نظر استاد گرامی:

محققین:

« شهریور ۱۳۸۸ »

پیشگفتار

دانشگاه نهادی نگرش آفرین و رفتار ساز است. دانشجویان از اساتید خود راه و رسم چگونه زندگی کردن را یاد میگیرند. دانشگاه تنها محل آموزش علوم نیست، بلکه مکانی برای رشد عقلی، عاطفی، اخلاقی و دینی نیز می باشد. دانشجویان در دانشگاه با بایدها و نبایدها آشنا می شوند و نسبت به ارزش ها و ضدا ارزش ها، جاذبه و دافعه پیدا می کنند. دانشگاهها فرهنگ سازندوبه دانایی و توانایی دانشجویان کمک فراوانی می کنند. تعلیم و تربیت از هم جدا نیستند، از این رو اساتید در دانشگاهها نقش مهمی در تربیت دانشجویان و دانش پژوهان دارند و آنند که ارزشها و فرهنگهای اجتماع را برای دانش پژوهان درونی می کنند. در واقع اساتید دانشگاه در جامعه معماران فرهنگ و ارزش به شمار می آیند و در انتقال ارزشهای فرهنگی، رشد فکری و اخلاقی آینده سازان مسئولیت دارند. تمامی اساتید در هر رشته ای از فیزیک، متافیزیک، روانشناسی و... باید درس خود شناسی و خدا شناسی را به دانش آموختگان خود داده و در راه رسیدن به ارزشها آنان را یاری نمایند. از آنجا که اساتید دانشگاههای جامعه ی ما در مکتب اسلام رشد کرده اند در راه تحکیم تفکر دینی دانشجویان و رشد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی آنان تلاش می کنند و محیط علم آموزی را به نور ایمان روشن و دانشجویان را با ارزشها مأنوس و از ضدا ارزشها گریزان می کنند.

ارزشهای فرهنگی از مفیدترین مباحثی است که بشر تا کنون بدان پرداخته است. با آنکه در این زمینه سخن سابقه ای طولانی دارد و اندیشمندان و فیلسوفان بزرگی به تعمق و تحقیق در این مباحث نشستند، اما هنوز طراوت و کشش خود را از دست نداده و میدانهای وسیعی برای کندوکاوش های فکری و علمی موجود است.

در پایان بر خود لازم می دانیم از زحمات خالصانه ی استاد گرامی، جناب آقای دکتر نعمتی که در گردآوری این تحقیق ما را یاری نمودند تقدیر و تشکر کنیم.

با احترام: معتمدی، فرخی، اخوان

«هو الرئوف الرحيم»

مقدمه

الهی! یکتای بی همتایی، بر همه چیز بینایی، در همه حال دانایی. الهی! عنایت تو کوه است و فضل تو دریا، کوه کی فرسود و دریا کی کاست؟
الهی! خود را از همه به تو وابستم... نومیدم مساز، بگير دستم.

اسلام به عنوان یک دین رهایی بخش از ابتدای ظهور نورانی خود توسط رسول اکرم (ص) اهمیت ویژه ای به لزوم آگاهی، دانایی و کسب علم و دانش داشته است، بطوریکه خداوند متعال ابتدا رسول گرامی اسلام را با کلمه ی (اقرا) مورد خطاب قرار داده. در طول تاریخ پربرکت اسلام نیز فرایند آگاهی و اطلاع رسانی همواره مورد تأکید آمده و بزرگان بوده است.

امروزه که به عصر اطلاعات و ارتباطات نامگذاری شده و فناوری های نوین و غول پیکری راه اندازی شده، جمهوری اسلامی ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور سریع و پرشتابی در این جریان قرار گرفته و توانسته به یکی از کشورهای عمده در منطقه، در زمینه ی فناوریهای ارتباطی و نظام رسانه ای قرار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه ی فضای سیاسی و فرهنگی که در دو دهه ی اخیر در سطح دانشگاهها ایجاد کرده این اقبال را داشته تا نسبت به سایر کشورهای همجوار خود از توانمندی و ظرفیت های دانشجویان و قشر تحصیل کرده در این خصوص استفاده کند.

انتشارچندین هزارنشریه دانشجویی، راه اندازی خبرگزاری هاوسیاست های دانشجویی و... با حضور دانشجویان در سطح کشور از مصداق این ادعا است.

دانشجو قبل از هر چیز جویای دانش است چرا که نام او برگرفته از بهترین اعمال یعنی جویای حقیقت و حقایق نهان و آشکار است، پس فردی که تمام فاکتورهای ارزشی اجتماع را با خود همراه کرده است نمی تواند نقش کمزنگی در اطلاع رسانی و روشن سازی جامعه داشته باشد.

چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند؛ دانشجو فرزند این کشور است و امروز که سروصدای بحثهای جناحی و گروهی تقریباً فروکش کرده، ضروری است دلسوزان و عاقلان درباره ی این قشر و نقش مؤثر آن در جامعه، بحثهای خود را خارج از گرایشات سیاسی و جناحی مطرح نمایند تا بتوانند از ثمرات وجود این قشر بیشتر بهره مند گردند.

فرهنگ یک کشور سرچشمه ی پیشرفت و خلاقیت آن ملت است و توسعه ای که مبتنی بر فرهنگ یک ملت نباشد توسعه ی پایدار نخواهد بود. تا آنجا که می شود بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری، عامل فرهنگی را در مقابل عوامل دیگر همچون: پول، علم و صنعت به عنوان اولین، مهمترین و مؤثرترین عامل در خلق و شکوفایی آینده یک جامعه و تعیین سرنوشت آن دانست.

ایشان در فرمایشات خود این گونه می فرمایند:

فرهنگ یک جامعه اساس هویت آن جامعه است، همه ی کارکردها، جهت گیری ها و تحولات ملت از این فرهنگ سرچشمه میگیرد. همچنین

دریانات خود به دلیل اهمیت فوق العاده موضوع فرهنگ، جاری شدن صحیح و سازنده ی آن درشریان های حیاتی، جامعه را مستلزم وجود یک اتاق فرمان فرهنگی یک کشوریا مرکزی برای مهندسی یک کشور می دانند.

بنابراین؛ ملتی ماندگارخواهدبود و پیشرفت خواهد کرد که دارای تاریخ و پیشینه ی غنی باشد، اما صرف داشتن تاریخ کهن برای توسعه و پیشرفت یک کشورکافی نیست.

دوری و فاصله گرفتن ملتها با ارزشها، تاریخ و فرهنگ گذشته ی خود از جمله آسیبهایی است که جهان امروزرا تهدید می کند. استفاده ی ناصحیح از پیشرفتها و دستاوردهای علمی و به طور خلاصه تکنولوژی، از جمله علت های اصلی این آسیب اجتماعی است. انتقال صحیح ارزشهای اصیل فرهنگی یک ملت به نسل جوان، مهمترین راهکار برای رهایی از این بحران است. مسئولان فرهنگی کشورباید فرهنگ بومی و اسلامی ایران را با شیوه های نوین علمی به نسل جوان منتقل کنند.

در عصر تمدن چون توحش شده افزون

بردیده کشم سرمه ی عهد قجری را

کو دست توانا که به گلزار تمدن

هر خار و خسی ریخته جاروب نماید...

۱-۱- چکیده تحقیق

در این تحقیق ما به بررسی نقش دانشجویان دانشگاه پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه می پردازیم.

حوزه و قلمرو کار و جامعه ی آماری ما در این تحقیق، دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور مشهد می باشد.

در این پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور مشهد در سطوح مختلف تحصیلی به صورت تصادفی، به عنوان نمونه انتخاب شدند.

پرسشنامه ی لیکرت تهیه شد و بین آنان توزیع گردید. پس از جمع آوری پرسشنامه ها و ردیف نمودن نمرات و بدست آوردن فراوانی ها و ترسیم نمودارهای مربوطه، تجزیه و تحلیل های لازم در این زمینه انجام شده است.

۱-۲- بیان مسئله

«فرهنگ وسیله ای است که بشر جهت ادامه ی حیات خویش به آن تکامل بخشیده است. درزندگی ما هیچ چیز از تأثیرات فرهنگی عاری نیست، فرهنگ سنگ بنای تمدن و وسیله ای است که همه ی حوادث زندگی باید از طریق آن جریان یابد.»

«ادوارد. تی. هال»

توسعه ی علمی دانشگاهها نیازمند بکارگیری دانش و فرهنگ سازگار و مطلوب با آرمانها و باورهای یک جامعه است. به منظور اینکه توسعه و تولید دانش با جهت گیری های اخلاقی و ارزشی جامعه ی ما عجین گردد و بستر رشد خلاقیت و نوآوری علمی جامعه را فراهم نماید، آموزش عالی باید به عنوان کانون انتقال دهنده ی علم و دانش به صورت همسو و هماهنگ عمل نماید.

دانشجویان در مسیر انتقال فرهنگ تأثیر بسزایی دارند و روابط موجود در دانشگاه به عنوان شکلی است از ارزشهای فرهنگی مورد قبول در جامعه و یا مخالف با آن.

تحقیق در زمینه ی مسائل فرهنگی بسیار گسترده است و آنچه ذهن ما را به خود مشغول کرده، تأثیر دانشجو در انتقال ارزشها و یا ضدا ارزشها و چگونگی برقراری روابط است.

این بررسی در پی پاسخگویی به این سؤالات است:

۱. تأثیر دانشجویان پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی جامعه چگونه است؟

۲. تأثیر دانشجویان در پرکردن شکافهای ارزشی و فرهنگی جامعه چگونه است؟

۳. تأثیر دانشجویان در تقویت مسئولیتها و شایستگی های هنری و فرهنگی جامعه چگونه است؟

۴. تأثیر دانشجویان در گسترش نگرشها و نظریه های جدید عملی چگونه است؟

۱-۳- اهمیت مسئله

در هر کشوری نظام آموزشی، از جمله نظام آموزش عالی یکی از نظام های مهم اجتماعی است که رسالت آنها علاوه بر انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناختها، نگرشها و در نهایت رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان است.

کیفیت عالی یادگیری دانشجویان، موضوع امروز و فردا است، به عبارت دیگر انتقال مفاهیم، برای مواجه شدن با آینده ی نامشخص است. انتقال فرهنگ، باورها و ارزشهای بومی به عنوان یکی از اهداف و رسالتهای آموزش عالی مورد توجه متصدیان و مجریان آموزش عالی و سازمانهای بین المللی مرتبط با آموزش عالی بوده است.

در سال ۱۹۹۸ کنفرانس جهانی آموزش عالی در بیانیه ی نهایی خود، کمک به فهم و تفسیر، حفظ و ترویج فرهنگ ملی، منطقه ای و بین-

المللی در چارچوب توجه به کثرت گرایی، تنوع فرهنگی را به عنوان یکی از اهداف آموزش عالی ذکر کرده است. همچنین در نشت مسئولین آموزش عالی برخی از کشورهای آسیایی و اقیانوسیه و دانشگاه نیوانگلند استرالیا، محافظت و انتقال میراث فرهنگی به عنوان یکی از اهداف چهارگانه آموزش عالی آمده است.

تحلیل مفهوم جامعه و فرهنگ و رابطه شخصیت انسان با آن دو، اهمیت جامعه را در انتقال آداب، سلوک، ارزشها، مفاهیم و روشهای فرهنگی از نسل قدیم به نسلهای بعدی، مدلل می سازد. طبیعی است که بقای جامعه به بقا و دوام فرهنگی و ارتباط فرهنگی بستگی دارد و این به جز از راه انتقال معارف و ارزشها و میراث فرهنگی به نسل جدید میسر نیست.

علم و دانش در صورتی با زیست مردم جهان در هم تنیده می شود که از منظومه ارزشهای فرهنگی ما سربر آورده و با جهت گیری اخلاقی و ارزشی جامعه سازگاری مطلوب داشته باشد، در جوامع غربی علم و فرهنگ همسو و هماهنگ شده، لذا انتقال علمی در آن جوامع با انتقال فرهنگی همراه است.

یکی از خصوصیات مثبت دانشجویان اقدامات و واکنشهای آنان در مقابل حوادث جامعه و مشکلات آن است. به عقیده ی بسیاری از متفکران، اقدامات و واکنشهای جوانان حاکی از نیاز آنان به فرهنگ جدید و یک انقلاب فرهنگی است، چرا که آنان از فرهنگ ماشینی و رفاه منحصرأ مادی که انسانها را به بند کشیده دوری می جویند. در این زمینه دانشجویان می توانند با رفتار، سخنان، موضع گیریها و مقالات خود در جامعه نقشهای

مهمی را در ایجاد فرهنگ جدید و فرهنگ پذیری ایفا نمایند. دانشجویان می توانند آثار، باورها، ارزشها و میراث فرهنگی و علمی گذشته و حال اسلام و ایران را برای دانشجویان بررسی، تحلیل، نقد و ارزیابی نموده و زمینه اشاعه و ترویج آنها را فراهم کنند. و بدین ترتیب پیوندی راهگشا میان فرهنگ سنتی و فرهنگ جدید ایجاد نمایند.

در جامعه ی امروز ما نیاز به انطباق علم و تکنولوژی با ساختار فرهنگی جامعه و بومی شدن و پر شدن شکافهای ارزشی و فرهنگی در میان اقشار مختلف و تقویت روحیه ی خلاقیت، نوآوری و ابداع در میان جامعه و دانشجویان و تعمیق و گسترش فرهنگ گفتگو و نقد و تبادل و اندیشه در جامعه و دانشگاه احساس می شود. هرچه آگاهی ها و اطلاعات مسئولین و دانشجویان در این زمینه بیشتر باشد، میزان موفقیت هم بیشتر می شود تا به اهداف مورد نظر برسیم.

در سالهای اخیر به دلیل فعالیت بیشتر شدن دانشجویان در عرصه ی سیاسی و اجتماعی و نیز به دلیل برخی زیاده روی ها و وقوع حوادثی نظیر ۱۸ تیر ماه ۷۸، حادثه ی خرم آباد و حوادث مربوط به انتخابات سال ۸۸ مسئله ی دانشجویان و نقش آنها در جامعه، موضوع روز بسیاری از گزارشات، تحلیلها و مقالات گردیده است. بهتراست با آگاهی دادن به این قشر عظیم و به دور از جناح بازیها آنان را در جهت صحیح هدایت کرد.

حضرت امام (ره) چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای دانشگاه و دانشجویان اهمیت ویژه ای قایل بودند و اعتقاد داشتند ترقی مملکت به دانشگاه است. چنانچه دانشگاه به طور صحیح عمل کند مسلماً انسانهایی

از آن خارج می شوند که می توانند یک کشور را نجات دهند و اگر به طور صحیح عمل نکنند ممکن است انسانی درستی شوند که کشور را به هلاکت بکشانند.

از دید امام خمینی (ره) دانشجوییک قشر آگاه است که می تواند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نماید، اما ایشان معتقدند برای اینکه دانشجو بتواند نقش خود را به طور کامل انجام دهد باید در کنار سایر اقشار اجتماعی و عامه ی مردم باشد. از نظر امام؛ مجموعه ی آگاهی مدرسان و دانشجویان به معنی آگاهی های موجود در جامعه است، در محیطی از نظر مساحت و ابعاد فیزیکی کوچک، کهکشانی وجود دارد از تمام فرهنگها و افکار موجود در جامعه.

به راستی آیا خود دانشجو از نقش حساس خود و وظیفه ای که به او محول شده آگاهی دارد؟ آیا تلاش شده است تا در مورد وظیفه ی این قشر از جامعه و آگاهی دادن، اطلاعاتی در اختیار او قرار دهیم؟

بنابراین باید تلاش کنیم تا ذهنیتی که از یک دانشجو در ذهن جامعه نقش می بندد، ذهنیتی درست باشد و با ندانم کاریهای خود باعث تخریب هویت دانشجو نشویم.

۱-۴- اهداف پژوهش

اهداف کلی: نقش دانشجویان دانشگاه پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه.

اهداف جزئی:

۱. آیا دانشجویان پیام نور درانتقال ارزشهای فرهنگی درجامه موفقند.
۲. آیا دانشجویان باعث پرشدن شکافهای ارزشی و فرهنگی درمیان اقشارمختلف جامعه می باشند.
۳. آیا دانشجویان باعث تقویت مسئولیتها، شایستگیهای اجتماعی و فرهیختگی های هنری و فرهنگی درجامه می شوند.
۴. آیا دانشجویان باعث گسترش نگرشها ونظریه های جدید عملی درجامه می باشند.

۱-۵- فرضیات پژوهش

- فرض آماری: دانشجویان پیام نوردرانتقال ارزشهای فرهنگی درجامه موفقیت کمتری دارند.
- فرض تحقیق: دانشجویان پیام نوردرانتقال ارزشهای فرهنگی درجامه موفقیت بیشتری دارند.
- فرض آماری: دانشجویان باعث پرشدن شکافهای ارزشی و فرهنگی درمیان اقشارمختلف جامعه نمی باشند.
- فرض تحقیق: دانشجویان باعث پرشدن شکافهای ارزشی و فرهنگی درمیان اقشارمختلف جامعه می باشند.
- فرض آماری: دانشجویان باعث تقویت مسئولیتها، شایستگیهای اجتماعی و فرهیختگی های هنری و فرهنگی نمی شوند.

فرض تحقیق: دانشجویان باعث تقویت مسئولیتها، شایستگیهای اجتماعی و فرهیختگی های هنری و فرهنگی می شوند.

فرض آماری: دانشجویان باعث گسترش نگرشها و نظریه های جدید عملی در جامعه نمی باشند.

فرض تحقیق: دانشجویان باعث گسترش نگرشها و نظریه های جدید عملی در جامعه می باشند.

فصل اول

طرح تحقیق

فصل دوم

سابقه

موضوع تحقیق

۲-۶- تعریف ارزش

ارزشها؛ احساسات ریشه داری هستند که اعضای یک جامعه در آنها سهیمند. همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می کنند.

یکی از پرسشهایی که نسبت به ارزش و فرهنگ قابل طرح و بحث است، این است که آیا بررسی ارزشها با چشم خشک علمی میسر است؟ آیا می توان نظاره گر ارزشهای دیگران بود و همدل آنان نبود و باز هم به جهان واقعی آنان راه یافت؟

برخی بر این نظرند که جوامع و تمدنها را باید از درون دید نه از بیرون. مؤمنی که به چیزی ایمان دارد، برای آن موضوع صدها نشانه ی حسن و کمال می بیند که مخالف منکر و یا محقق بی طرف، آنها را نمی بیند. یعنی ارزشها حتی برقراین و شواهد هم رنگ می زنند و قرینه ی واحد را یکی مؤید فریضه ای خاص می شمارد و دیگری ناقص آن. اما به نظر می رسد که در این ادعا مبالغه ای صورت گرفته است. بدین بیان که ارزشهای مردم با همه ی تنوع و تفاوت چنان نیستند که با نگاه بیرونی برای یکدیگر برای یکدیگر قابل فهم و درک نباشند. همین که می توان فهمید دیگران ارزشهای دیگری دارند، علامت این است که انجام مقایسه امکان پذیر است و در هر مقایسه درک اجمالی از هر دو طرف لازم است.

پرسش دیگری که به دنبال پرسش سابق پیش می آید این است که آیا حصول دانش بی طرف و همگانی در مورد ارزشها ممکن است؛ بویژه با

توجه به اینکه انسانها در حوزه ی مهم معانی و آژه های ارزشی و تلقی کمال و خوبی، ظلم، حق، مسئولیت و... دچار تنوع هستند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت؛ اول اینکه براساس درک ارزشهای دیگران، می توان به درک واحد و سپس به دانش بی طرف و همگانی واصل شد. لیکن حصول این دانش امری دشوار و دیررس خواهد بود. ثانیاً؛ هویت اجتماعی دانش تا حدود زیادی در رفع و زدودن این دشواری و فراهم آوردن زمینه ی تشکیل چنین دانشی کمک خواهد کرد.

ارزشها وقتی با مانعی روبرو شوند، ناکام و عظیم خواهند ماند و تنها ارزشهایی مجال بقا خواهند یافت که توان و شایستگی بقا را داشته باشند. یعنی تحول وضع زندگانی آدمیزادگان در پیراستن نضام ارزشها و بقای ماندنیها، کمک مؤثری خواهد کرد و همین اسباب، حصول دانش ارزشها را بیشتر می سازد.

مفهوم ارزش، از مفاهیمی است که بسیاری از محققان در حوزه های مختلف همچون فلسفه، تربیت، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی و دیگر حوزه ها، بدان توجه نموده اند. البته این خود موجب ابهام در بکارگیری این مفهوم در رشته ی تخصصی شده است. حتی در یک رشته ی تخصصی نیز کاربردهای متفاوت یافته و تعریف واحدی از مفهوم ارزشها به دست نیامده است. در نتیجه ابزار و معیارهای متفاوتی به کار گرفته می شود که، ویژگی های آن در پرتو چارچوب نظری که نزد هر پژوهشگری در این زمینه وجود دارد، تعریف می شود.

- معانی واژه ارزش

۱. واژه ی ارزش به همان معنای باید است.

۲. واژه ی ارزش گاهی مرادف بامطلق مطلوبیت به کار می رود و به معنای ملائمت و تناسب چیزی یا کاری بایکی از خواسته های انسان می باشد. این مفهوم تقریباً وسیعترین معنای ارزش است که هم در مورد اشیای عینی و هم در مورد افعال واقوال انسان کاربرد دارد. چنانچه که هم در آنچه مستقیماً مورد رغبت انسان است به کار می رود و هم در اموری که غیرمستقیم و به عنوان واسطه ای برای رسیدن به مطلوب اصلی مورد رغبت قرار می گیرند.

۳. ارزش به معنای مطلوبیت ذاتی و بالاصاله است و به عکس معنای سوم آن، تنها صفت هدف قرار گرفته. شامل اموری می شود که مورد رغبت اصلی هستند.

۴. ارزش مطلوبیت فعل اختیاری است از آن جهت که مصلحت و منفعت را برای جامعه تأمین می کند.

۵. مطلوبیت فعل اختیاری است از آن جهت که دارای نتیجه ی متعالی و معنوی می باشد.

۲-۷- ارزش در اسلام

اگر علم را از جهت محتوای منطقی آن در نظر بگیریم و به این نکته توجه داشته باشیم که از یک قانون و یا فرضیه ی علمی نمی توان دستوری اخلاقی بیرون آورد، به گونه ای که نشان دهد اقدام به عملی شایسته است یا نه، در این صورت علم امری بی طرف است و اگر کسی موفق به کشفی علمی شود، این کشف نسبت به ارزشها و ایدئولوژی شخص، امری مستقل

بوده، برای یک مسیحی یا مسلمان یا... بیش از یک معنای واحد نخواهد داشت.

بی طرف بودن علم ناظر به محتوای منطقی علم است که عاری از ارزش است. اما اگر علم را صرف نظر از محتوای منطقی اش که چه هست یا نیست، در نسبتش به عالم، مثلاً به عنوان ابزاری در دست عالم یا حربه ای در دست او در نظر بگیریم، در این صورت بی طرف نخواهد بود، چرا که عالم بی طرف نیست و از آنجا که علم و عالم در اسلام با هم وحدت دارند، بنابراین اگر عالم بی طرف نباشد ارزش و علم نیز بی طرف نخواهد بود.

بنیاد ارزشها را باید در وجود انسان باز جست، موطن ارزشها نفس و روح انسان است. تمام ارزشها ریشه در نفس انسان دارند، این قابلیت و نحوه ی خاص وجود نیز به گوهر مجرد و نفس غیرمادی انسان مربوط است که در او به ودیعت نهاده شده است. روح انسان نحوه ای از وجود است که ارزش آفرین و ارزش یاب است.

۲-۸- ارزشها در فرهنگ بشر

در فرهنگ بشر شاید نتوان زمانی را یافت که از مفاهیمی نظیر خوبی، بدی، زشتی، زیبایی و... خالی باشد. بررسیهای جامعه شناسی نشان می دهد که حتی در ابتدایی ترین جوامع، چه در قرون گذشته و چه در عصر حاضر مثال این مفاهیم به شکل وسیع تری مطرح بوده است. بدون

تردید در بسیاری از موارد، جوامع و گروه‌های مختلف این مفاهیم را بر مصادیق کاملاً متفاوت و متباین حمل می کرده اند. پژوهش‌هایی که دانشمندان انجام داده اند این مدعی را ثابت می کند و در طول تاریخ به موارد زیادی از این اختلاف تطبیق‌ها برخورد می کنیم. ارزشها در رابطه با کل دستگاه وجودی انسان سنجیده می شود و تفکیک آن نسبت به اجزاء وجودی اشتباه است و از آنجا که انسان دارای روح و بدن و معنی و ظاهر می باشد، باید در مورد افعال آموزشی نیز این چنین مراعات شود، زیرا روح و بدن آنچنان به هم پیوستگی دارند که تأثیرات یکی بردیگری آشکار می شود. بدین جهت باید چنان تعادلی بین آنها به وجود آورد که در نهایت کل دستگاه وجودی انسان به سعادت نائل شود. بنابراین در افعال ارزشی جنبه ی معنی و روح که همان هدف است و انسان از انجام کار در نظر دارد باید مراعات شود، چون انسان کمال را در قرب الهی و نزدیک شدن به پروردگار عالمیان می داند، ارزشها را شناسایی کرده و در جهت رسیدن به عملی کردن آن تلاش می کند.

۲-۹- مفهوم ارزش در جامعه شناسی

جامعه شناسان معتقدند که شیوه ی ارزشگذاری و ارزیابی، بر اساس وجود معیار و شباهت در پرتو مسائل شخصی بر مسائل و امکاناتی که جامعه برای

تحقق این مصالح برای او مهیا می سازد، مبتنی است. براین اساس روش گزینش ارزشها، مشروط به شرایط اجتماعی در اختیار نهاد می باشد. ارزشها آنگونه که تعدادی از جامعه شناسان معتقدند، عبارت است از: معیاری برای گزینش، از میان ابزارها امکانات اجتماعی که برای فرد آماده و مهیا شده و با موقعیت اجتماعی وی منطبق است. معیاری یعنی وجود میزانی که شخص بدان می سنجد و بدان همه چیز را از نظر فاعلیت و نقش در تحقق مصالحش، همانند می کند. این معیاری است که شخص اقامه می کند و با آگاهی اجتماعی و درک وی از امور و عوامل تاثیرگذار اجتماعی، اقتصادی که شخص یا طبقه اجتماعی وابسته به آن را احاطه کرده، جامعه یا شرایط تاریخی، اقتصادی و اجتماعی که در آن زندگی می کند، در ارتباط است.

اما گزینش، روشی عقلانی، معرفتی است که شخص در آن به همانند سازی و مقایسه ی اشیا در پرتو معیاری که برای خود وضع نموده و با شرایط اجتماعی و اقتصادی وی تعریف می گردد، می پردازد. البته این روش امری مطلق نیست، بلکه مشروط به وضع شخص و فرصتهای اوست و هرگاه شخص در مرتبه ی اجتماعی ترقی کند، فرصتهای زیادی برای بهتر عمل کردن را دارد.

ارزش در اجتماع نقش مهمی را ایفا می کند و در واقع چارچوب یک جامعه از ارزشهای آن ساخته می شود.

یکی از نقشهای مهم نظام باورها این است که این باورها پایه و اساس ارزشهای ما را تشکیل می دهند. ظاهراً ارزش را می توان به عنوان یک باور همیشگی تعریف کرد که در آن یک روش خاص رفتاری به صورت شخصی یا اجتماعی به دیگری ترجیح داده می شود. به نظر روکیچ، ارزشها: «قوانین سازمان یافته برای انتخاب و حل کشمکش می باشند که توسط شخص فرا گرفته می شوند.»

این قوانین ورهنمودها طبیعی بوده و به ما می آموزند که چه چیزی سودمند، خوب، درست و یا غلط بوده، برای چه باید کوشش کرد، چگونه زیست و برای چه مرد؟ به نظر آلبرت: «یک نظام ارزشی، آنچه را که منتظران هستیم یا آرزوی آن را می کنیم، آنچه را که لازم است یا منع شده است را ارائه می کند. این نظام، گزارش رفتار واقعی نیست، بلکه نظام مربوط به ملاکهایی است که برطبق آنها نظام سنجیده شده و محدودیتها اعمال می گردند.»

گرچه هر کدام از ما دارای یکسری ارزشهای شخصی خاص خود می باشیم، ارزشهایی وجود دارند که در فرهنگ عمومی شده و ما آنها را ارزشهای فرهنگی می نامیم. ارزشهای فرهنگی از موضوعات فلسفی گسترده تری گرفته شده اند که بخشی از فرهنگ نیز به شمار می روند، این ارزشها از طریق منابع مختلفی انتقال یافته و تمایل نسبی به استوار بودن دارند.

همانند باورهای فرهنگی، مهمترین ارزشهای فرهنگی باعث هدایت ادراک و ارتباطات می شوند. یعنی ارزشهای ما به صورت عمل در می آیند. درک ارزشهای فرهنگی ما را در تصدیق رفتارهای دیگران و درک رفتار خود نیز یاری

می دهد. ساختارذهنی افراد از ارزشهای مختلفی که به صورت سلسله مراتب منظم شده، تشکیل شده است و همانگونه که «روکیچ» می گوید: آنها -ارزشها- با اهمیت نسبی در کنارهم قراردارند.

ارزشها را می توان به سه دسته طبقه بندی کرد: مهمترین آنها ارزشهای اولیه هستند؛ این ارزشها شامل مواردی هستند که، فداشدن زندگی انسان برای آنها شایسته می باشد. خلاص کردن دیگران از درد از ارزشهای ثانویه محسوب می شوند، ما برای این ارزشها اهمیت قائل هستیم ولی همانند ارزشهای اولیه احساسمان نسبت به همه ی آنها یکسان نیست. سومین دسته از ارزشها در آخرین درجه از سلسله مراتب قراردارند که مهمان نوازی و پاکیزگی از جمله این ارزشها می باشند.

۲-۱۱- نظام ارزشها و نوع آموزش در دانشگاهها

آموزش در دانشگاهها عموماً براساس رشته و هدف آن رشته برگزار می شود، اما مهمترین ارزش ابزاری که در نزد دانشجویان مهم است و کاربردی منطقی در جامعه دارد اعم از: امانت، مسئولیت، وسعت نظر، بلندپروازی، شادی و نشاط، صلح جهانی، آزادی، برابری، صداقت راستین و... می باشد که درونی کردن این ارزشها در دانشگاهها ابتداء به عهده ی اساتید و بعد از آن عملی کردن این مهم در جامعه و انتقال آن به محیط اجتماع به عهده ی دانشجویان می باشد.

کلاک مون، فهرستی از ارزشها را با توجه به میزان رواج آنها در جامعه ارائه نموده و به دو گروه تقسیم کرده است:

۱. ارزشهای عام در جامعه

۲. ارزشهای خاص در گروههای اجتماعی مشخص

نلسون نیز فهرستی از ارزشها را با عنایت به ارتباط آنها به سبک ساختاری جامعه ارائه کرده است، به دو گروه تقسیم می کند:

۱. ارزشهای تقلیدی

۲. ارزشهای عقلانی

۲-۱۲- نظام ارزشی ورشته ی تحصیلی

روشن شد که بین رشته ی تحصیلی و نظامهای ارزشی رابطه ای وجود دارد، مثلاً متخصصان در زمینه ی فیزیک به میزان بالایی به ارزشهای نظری، زیباشناختی و اجتماعی دست می یابند. شاید این به توجه اساسی آنها به جستجوی حقیقت بازگردد.

اما ارزشهای نظری، سیاسی و اقتصادی نزد مهندسان از اهمیت زیادی برخوردار است، چنانچه که کارفرمایان هم به ارزش اقتصادی و همچنین ارزش سیاسی اهمیت زیادی می دهند، آنها همیشه برای دستیابی به سود و سلطه و قدرت تلاش می کنند. دانشجویان دانشکده های عملی نیز بیشتر از دانشجویان دانشکده های نظری به پذیرش ارزشهای اخلاقی گرایش دارند.

۲-۱۳- نظام ارزشها و برتری تحصیلی

در زمینه ی کشف رابطه ی نظامهای ارزشی و برتری تحصیلی مطالب زیر روشن شد؛

- تمایز دانشجویان برتر از نظر تحصیلی با دانشجویان معمولی چنین است:

الف. افزایش اهمیت ارزش اقتصادی و دینی

ب. پایبندی بیشتر به ارزشهای سنتی

- ارزشهایی که دانشجویان عادی را از دانشجویان برتر متمایز می سازد عبارتند از:

الف. افزایش اهمیت ارزش اجتماعی که بعد از ارزش دینی در مرتبه ی دوم قرار دارد.

ب. به ارزشهای عصری تازه بیشتر پایبند هستند.

- و اما وجه شباهتهای ارزشهای دانشجویان ممتاز و عادی در امور زیر خلاصه می شود:

الف. اهمیت ارزش دینی نزد افراد دوگروه در مرتبه ی نخست قرار دارد.

ب. بی توجهی به ارزشهای نظری و زیباشناختی در مرتبه ی پنجم اهمیت.

۲-۱۴- نظام ارزشها و جنسیت

دختران به مرتبه های بالای ارزشهای زیباشناختی و دینی و اجتماعی و مراتب پایین ارزشهای اقتصادی و سیاسی نسبت به پسران دست می یابند. این نتیجه با آنچه فدر بدست آورد سازگاری دارد، و دختران جوان

بیشتر به ارزشهای دینی مانند؛ امانت و راستی در مقایسه با پسران توجه دارند.

همچنین میان مردان و زنان در ارزشهای اخلاقی تفاوتی به نفع زنان وجود دارد، محققان این امر را به اختلاف نقش جنسیت و معیارهایی که جامعه برای هر جنس تعیین می کند برمی گردانند و نوعی رفتار قالبی اجتماعی برای نقش هر جنس و آنچه که از او انتظار می رود، وجود دارد.

۲-۱۵- تعاریف واژه ی فرهنگ

فره؛ به معنای شکوه و جلوه و هنگ به معنای دسته جمعی است. بعضی فرهنگ را به معنای شکوه و جلوه و ظهور دسته جمعی دانسته اند. و در اصطلاح، فرهنگ به آن مکتبی گفته می شود که دسته جمعی و گروهی به مجموعه ی آن معتقدند و انجام آن را برای خود لازم می دانند. حکیم ابوالقاسم فردوسی می گوید:

تو دادی مرا فر فرهنگ و رأی تو باشی به هنر نیک و بد رهنمای

شاید بتوان گفت، هیچ واژه ای به اندازه ی واژه ی فرهنگ مفهوم وسیع و گرانمایه نداشته باشد. معانی که در کتب لغت و متون به آن اختصاص داده شده، متنوع و در عین حال به هم مرتبط و پیوسته است و نقطه ی مشترک و مرجع آنها فضیلت های انسانی است. چون؛ تهذیب نفس، مناعت طبع، زیرکی، بزرگ منشی، انسان دوستی، ادب و خرد، عاقبت نگری و... که از راه کسب دانش فراهم می آید.

بی جهت نیست که «ژاک برگ» جامعه شناس فرانسوی می گوید:

واژه ی فرهنگ اکنون معنایی پهناتر و ژرفتر از هر زمان دارد، فرهنگ معنای وسیعتری دارد که به اسارت کلمه در نمی آید، فرهنگ مانند واژه تعریف ناپذیر عرفان ابعادی دارد که هرچه به آن نزدیکتر می شویم، دورتر می رود.

بنابراین باید چنین تقریری را از مفهوم واژه ی فرهنگ ارائه داد:

۱. فرهنگ سرمایه ی معنوی یک ملت به شمار می آید.
۲. فرهنگ به معنای زندگی اجتماعی انسانهاست که در افکار و الفاظ و کردار انعکاس پیدا می کند.
۳. فرهنگ زمان گذشته را به حال و آینده پیوند می زند.
۴. فرهنگ، ارتباط انسان را با خود و با دیگران و با جهان طبیعت برقرار می سازد.
۵. فرهنگ، محصول تلاشهای بی وقفه ی ملتها و اقوام است که در طول روزگاران به وجود آمده است.
۶. انقلابهایی در تاریخ به وجود آمده که محصول فرزند عصیان فرهنگ هاست.
۷. فرهنگ دارای روحی زنده و زاینده است که هرگاه حرکتش گرفته شود و به بیماری توقف مبتلا گردد، می میرد.
۸. فرهنگ حیات متقابلی با انسان دارد، از انسان حیات می گیرد و به او حیات می بخشد.

فرهنگ در همه جا حاضر، چند بعدی، پیچیده و فراگیر است. تعارف زیادی برای فرهنگ پیشنهاد شده، اما تعاریفی برایمان اهمیت دارند که دربرگیرنده ی این مطلب باشند که: چگونه فرهنگ و ارتباط به هم متصل می شوند.

هابل و فراست که فرهنگ را تقریباً در تمام فعالیت‌های بشری حاضر می بینند، آن را بدین صورت تعریف می کنند: یک سیستم یکپارچه از الگوهای رفتاری آموخته شده که مشخصه ی اعضای یک جامعه هستند نه نتیجه ی وراثت و بیولوژیکی. از نظر آنها فرهنگ از لحاظ ژنتیکی از پیش تعیین شده یا غریزی نیست. آنها برای اتخاذ این موضوع دو دلیل دارند که هر کدام از آنها به درک رابطه ی بین فرهنگ و ارتباط کمک می کند.

اول، همانطور که تمام محققین فرهنگ معتقدند، فرهنگ از طریق ارتباط و یادگیری، منتقل و حفظ می گردد، یعنی فرهنگ آموخته می شود. دوم، افراد دارای این عقیده معتقدند هر فرد در بدو تولد به یک محل جغرافیایی خاص محدود می گردد و در نتیجه در معرض پیامهای خاصی قرار می گیرد، در حالی که سایر پیامها را رد می کند. تمام این پیامها حتی اگر در مورد مذهب، خوراک، پوشاک، مسکن و... باشد، پایه و اساس فرهنگی دارند.

اما **بی‌تس و پیلاگ** تعریف توصیفی زیر را پیشنهاد می نمایند: «فرهنگ، نظامی است از باورها، ارزشها، سنتها، رفتارها و مصنوعات مشترک اعضای یک جامعه آن را مورد استفاده قرار می دهد تا از عهده ی جهان خود و از عهده ی یکدیگر برآیند، و نظامی است که از طریق یادگیری، نسل به نسل منتقل می گردد.» این تعریف نه تنها دربرگیرنده ی الگوهای رفتار بلکه دربرگیرنده ی الگوهای افکار (معانی مشترک که اعضای یک جامعه

به پدیده های مختلف، طبیعی و عقلانی شامل: مذهب و ایدئولوژی نسبت می دهند.) مصنوعات و مهارتها و فنون مورد استفاده برای ایجاد مصنوعات که از طریق فرهنگ منتقل می شوند، هست.

تعریف بیتس و پیلاگ، دربرگیرنده ی بیشترین قلمرو اصلی فرهنگ است که محققین اخیراً بر روی آن توافق دارند.

فرهنگ تحت عنوان منبع دانش، تجارب، باورها، ارزشها، حرکات، نگرشها و معانی سلسله ی مراتب، مذهب، نظریه های زمان، نقشها و مصنوعات که توسط گروهی از مردم از طریق تلاشهای فردی و گروهی طی نسلها کسب شده است، تعریف می شود.

«فرهنگ یعنی؛ آشنا ساختن خودمان با بهترین چیزهایی که درجهان شناخته شده و یا گفته شده اند و این یعنی شناخت تاریخ روح انسان.»

۲-۱۶- عملکردهای اساسی فرهنگ

هاویلاندر، انسان شناس، چنین اظهار می دارد: «مردم برای رسیدگی کردن به مشکلات و مسائلی که به آنها مربوط می شود، فرهنگها را حفظ می کنند.»

این باور وجود دارد که فرهنگ بنا بر دلایل مشابهی تکامل نیز می یابد. فرهنگ، نیاز اساسی گسترده تر کردن دنیای قابل پیش بینی را برآورده می کند. دنیایی که هریک از ما در آن نسبت به حقایقمان اطمینان داریم و بنابراین، به ما توانایی درک پیرامونمان را می دهد. چنانچه فولر، نویسنده ی انگلیسی در ۲۰۰ سال پیش نوشت: «فرهنگ همه چیز را آسان می کند.»

به دو دلیل مهم فرهنگ چیزها را آسان می کند؛ اول: فرهنگ با ایجاد معنا برای رویدادها، اشیا و مردم، به آسان شدن انتقال از زندگی جنینی به این زندگی جدید کمک می کند و بدین ترتیب دنیا را به مکانی تبدیل می کند که کمتر مرموز و ترسناک به نظر می رسد. دوم: فرهنگ باعث می شود زندگی کمتر گیج کننده باشد زیرا قسمت اعظم فرهنگ خودکار و نیمه آگاهانه است.

شاپیرو این اندیشه را چنین توضیح می دهد: «تأثیر فرهنگ، نیمه آگاهانه و عادی می گردد و زندگی را آسانتر می کند، درست همانطور که نفس کشیدن، راه رفتن و سایر عملکردهای بدن به کنترل های نیمه آگاهانه نسبت داده می شوند، بخشهای آگاهانه ی مغز را از این بار آزاد و این بخش از مغز را برای سایر فعالیتها رها می سازد.»

فرهنگ با استفاده از خانواده به عنوان اولین رابط خود از میان رابطهای زیادی که وجود دارند به فرد یاد می دهد چگونه به صورتی که مورد پسند است رفتار نماید. نیازی نیست اعضای یک فرهنگ برای تصمیم گیری در مورد اینکه هر رویداد چه معنایی دارد، یا چگونه باید به آن پاسخ داد، انرژی صرف کنند. معمولاً می توان در مورد تمام کسانی که دارای فرهنگ مشترکی هستند انتظار رفتار صحیح، خودکار و قابل پیش بینی را داشت. بنابراین فرهنگ با پیشنهاد یک برنامه ی کار به مردم، برای تمام فعالیتهای زندگی، آنها را در برابر تمام ناشناخته ها حفظ می کند.

به گفته ی هریس: «وجه اولیه ی سازگاری بیولوژیکی ما، فرهنگ است، نه آناتومی.»

فرهنگها علاوه بر تبدیل دنیا به مکانی که کمتر گیج کننده است، اکنون به حدی متکامل شده اند که ابزار اولیه ی مردم برای برآورده کردن سه نوع نیاز می باشند: ۱. نیازهای اساسی (خوراک، سرپناه، حمایت فیزیکی) ۲. نیازهای اشتقاقی (سازمان کار، دفاع، کنترل اجتماعی) ۳. نیازهای ائتلافی (امنیت روانی، هماهنگی اجتماعی، هدف در زندگی)

۲-۱۷- ارتباط فرهنگها

گرچه فرهنگ و ارتباط دو مفهوم متفاوتند ولی به طور مستقیم به یکدیگر پیوسته اند، این دو واژه چنان به هم پیوسته اند که بعضی از انسان شناسان معتقدند آنها تقریباً مترادفند. همچنان که اسمیت می گوید: «هرگاه مردم بیکدیگر تأثیر متقابل می گذارند، ارتباط نیز برقرار می کنند. آنها باید برای زندگی در جوامع و حفظ فرهنگشان، ارتباط برقرار نمایند.»

فرهنگ از طریق ارتباط یاد گرفته می شود، نقش ایفا می کند، منتقل و حفظ می گردد. ارتباط توانایی ما جهت تسهیم عقاید و احساساتمان، پایه و اساس تمام تماسهای بشری است. هرگاه ارتباط برقرار می نمایم همگی در یک نوع فعالیت شرکت می کنیم، ممکن است نتایج و روشها متفاوت باشند ولی

فرایندیکسان است. با برقراری ارتباط می توانیم واقعیت وجودی خود را به سایرین تفهیم نماییم.

مایغامها را در یک محیط خاص و نه در انزوا، ارسال و دریافت می کنیم. طبق گفته لیتل جان: «ارتباط همیشه در یک موقعیت ایجاد می شود و ماهیت ارتباط به میزان زیادی بستگی به این دارد.» ساده تر بگوییم: محیط و موقعیت به تعیین حرکات و کلماتی که خلق می کنیم و به نمادهای ایجاد شده توسط دیگران نسبت می دهیم، کمک می کنند. در واقع موقعیت چیزی را برای ما فراهم می کند، موقعیت بخش کلی تری از واقعه ی ارتباط است.

ود می گوید: «بزرگترین نظامی که ارتباط را تحت تأثیر قرار می دهد فرهنگمان است. این فرهنگ محیطی است که در آن تمام فعل و انفعالت ما شکل می گیرد.» قوانین، ارزشها، معیارها، رسوم، منع های مذهبی و سنتهای یک فرهنگ همه بر روی سایر بخشهای سیستم ارتباط اثر می گذارند.

چنانچه اسمیت اشاره کرده: «در جامعه ی مدرن، مردم مختلف به روشهای متفاوتی ارتباط برقرار می کنند، همانطور که مردم در جوامع مختلف اطراف دنیا این کار را می کنند و طریقی که مردم ارتباط برقرار می نمایند، همان طریقی است که زندگی می کنند. این طریق همان فرهنگ آنهاست. زمانی که عناصر ارتباط تغییر می کنند، عناصر فرهنگ نیز تغییر می یابند. فرهنگ و ارتباط جدانشدنی اند.»

باورها عواملی تأثیرگذار در ارتباطات فرهنگی می باشند، چرا که در فکر آگاه و ناخود آگاه ما و نیز در رفتارهای ارتباطی ما تأثیر می گذارند. باورهای ما

به همراه خود ما در فرهنگمان رشد می یابند، درسین پایین، ما برای سؤال کردن در مورد نهادهای اجتماعی، آمادگی نداریم و به همین دلیل آنچه که در مورد حقیقت و چگونه زیستن در جامعه به ما می آموزند را آزادانه می پذیریم. چون حداقل در بسیاری از فرهنگها در مورد چگونگی لباس پوشیدن، سخن گفتن با بزرگترها، آداب خوردن، رسیدن به صلح و آرامش، گذراندن زندگی و چگونگی ساختار اجتماعی صحیح هماهنگی وجود دارد، ما همچنان که رشد می کنیم به این امور اعتقاد راسخ پیدا می کنیم.

زمانی که باور اصلی فرهنگ خود را زیر سؤال می بریم، معمولاً با عکس العملی منفی روبرو می شویم که بلافاصله سؤال خود را فراموش کرده و در این حالت یا آنچه را که به ما گفته شده می پذیریم و یا از جامعه طرد می شویم. به عبارت دیگر همانطور که ما در فرهنگ رشد می یابیم، فرهنگ ما را برای باور کردن آنچه ارزشمند و درست است، مشروط می کند.

۲-۱۸- ارتباط بین فرهنگی

ارتباط بین فرهنگی در کلی ترین مفهومش زمانی رخ می دهد که عضوی از یک فرهنگ پیامی را برای دریافت توسط عضوی از فرهنگی دیگر ایجاد می نماید. به طوردقیق تر ارتباط بین فرهنگی، ارتباط بین آن دسته از مردم است که ادراکات فرهنگی و سیستمهای نمادینشان به اندازه ی کافی مجزا هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند.

عبارت ارتباط بین فرهنگی، مکرراً زمانی که به ارتباط بین مردم با فرهنگهای مختلف اشاره می شود، بکار می رود. چون این عبارت بر مقایسه ی بین فرهنگها دلالت دارد، آن را خیلی محدود کننده می یابیم.

- عناصر ارتباط بین فرهنگی

- ادراک یک عنصر ارتباط بین فرهنگی است، یعنی: «فرایندی که فرد به واسطه ی آن، محرکها را از دنیای خارجی انتخاب، ارزیابی و سازماندهی می نماید.» ادراکات فرهنگی بر مبنای سیستمهای اعتقادی، ارزشی و نگرشی بنا شده اند.

- فرایندهای کلامی، عنصر دیگری از ارتباط بین فرهنگی است.

- فرایندهای غیر کلامی که سومین عنصر می باشد، شامل استفاده از حرکات برای برقراری ارتباط است. معانی این حرکات از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می کند.

- فرهنگ، موقعیت رویداد ارتباطی را تحت تأثیر قرار می دهد.

۱۹-۲ - ساختار فرهنگی

فرهنگ در دو سطح ذهنی و عاطفی فرا گرفته می شود، انسان مرتباً در مورد فرهنگ خود آموزش می بیند، با وجود این بیشتر مطالبی که فرا می گیرد بدون آگاهی از آن به ذهن سپرده می شود. فرهنگ هم مبهم و هم مشخص است، این دو عامل جزئی از تمام فرد و در عین حال جزئی از فرد می باشد.

از بعدی متفاوت تر، تعداد انسانها خیلی بیشتر از فرهنگ است، هر انسانی دارای شخصیتی منحصر به فرد است و از عوامل پیشماری تشکیل شده که فرهنگ یکی از آنهاست. در هر لحظه رفتار ما حاصل تکامل میلیونها سال ساختار ژنی، گروههای اجتماعی، محل سکونت، جنسیت، سن، تاریخچه ی فردی، وابستگی سیاسی و عوامل زیاد دیگری است.

ارزشها و رفتارهای مربوط به فرهنگ خاصی ممکن است، ارزشها و رفتارهای همه ی افراد آن فرهنگ نباشد. تیرنس نمایشنامه نویس رومی بیش از ۲۰۰۰ سال پیش متوجه شد که: «به تعداد انسانها ذهن وجود دارد و هر کدام راه خود را می رود.»

اگرچه فرهنگ چارچوب مشترکی را برای ما ارائه می کند ولی اسیر آن نیستیم. در عوض افرادی متفکر، با منطق و توانا برای انتخاب آزاد هستیم.

مشخصات ثابت و مشخصات ناچیزی بین ویژگی فردی و خصوصیات فرهنگی وجود دارد، باید هنگام مقایسه ی یک فرهنگ با دیگری جانب احتیاط را نگاه داشت. جانسون این نکته را هنگام مقایسه ی مفاهیم شرقی و غربی از نفس یا خود چنین بیان می کند:

«اول؛ تعمیم های تأکید کننده بر تفاوت های بین شرق و غرب، تنوع درون آداب و رسوم شرقی و غربی را طی دوره ویا عصرهای مختلف، در میان فرهنگهای گوناگون و تجربه ی افراد از آن رسوم نادیده می گیرد.

دوم؛ چنین مقایسه هایی بین شرق و غرب، الزاماً تمدنها و مملکتهایی را کنار می گذارد که سنتهای آنان به خاطر نبودن فرهنگهای معادل ثبت نشده اند.»

تأکید ما بر این مطلب این است که تعمیم های فرهنگی نباید به عنوان نمایش مطلق عوامل در نظر گرفته شوند، بلکه این تعمیم ها را باید به عنوان نسبت هایی از واقعیت در نظر گرفت. بر اساس تجربیات ما، مردم گاهی حالت های تجویز شده و قابل قبول رفتار فرهنگی را دنبال نمی کنند.

۲۰-۲- فرهنگ دانشگاهی

جامعه شناسان علم را «نهاد اجتماعی» دارای «فرهنگ مستقل» می دانند که دارای باورها، ارزشها و معیارهای خاص خود است. این معیارها الگوهای اخلاقی و فنی مجاز و قابل قبول کنش و منش افراد وابسته به این نهاد را تعیین می کنند و به اعضای آن می گویند چه چیز مرجح، مقبول، پسندیده و مجاز است. بنابراین: «فرهنگ، علم چیزی مجزای از رفتار و الگوهای رفتاری معمول و متداول در جامعه است.»

این ارزشها انگیزه و محرک درونی و علاقه ی شخصی کنشگران عرصه علم را جهت داده و در مسیر مشترکی که «ارتقای دانش» است سوق می دهد. از این سو علم با تلاش مشترک کنشگران علم و با رعایت ارزشها و هنجارهای خاص آن توسعه می یابد.

دانشگاه یک مؤسسه و سازمان حرفه ای مربوط به علم است. از این منظر می توان هر تعریفی را که برای فرهنگ سازمانی و فرهنگ حرفه ای قایل شویم، برای دانشگاه نیز در نظر بگیریم.

بلور و پتریک داوسون در تعریف فرهنگ سازمانی می نویسند: «فرهنگ سازمانی، نظام الگومندی از ادراکات، معانی و باورها درباره ی سازمان خاصی است که معناسازی در میان یک گروه دارای انتظارات مشترک را میسر و تسهیل می سازد و رفتار کاری افراد آن سازمان را هدایت می کند.»

از این منظر فرهنگ دانشگاه؛ به نظام باورها، انتظارات و اعمال فرهنگی درباره ی اینکه چگونه باید به نحو دانشگاهی عمل کرد گفته می شود. این تعریف بر نقش فرهنگ دانشگاهی در تعیین شیوه ی عمل فرد تأکید دارد، ولی وجوه عاطفی، احساسی و ارتباطی کنش انسان دانشگاهی را در بر نمی گیرد. از این رو در تعریف انسان شناختی و به تبعیت از تعریف معناشناختی و تأویل گرایانه کلیفورگیرتر از فرهنگ، می توان فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صورنمادین، از جمله؛ کنشها، گفته ها و تمامی مقولات معناداری دانست که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می کنند و در تجارب، دریافتها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می شوند.

این تعریف جامع تر است، زیرا تمامی نهادهای معنادار و باورهای سازنده و تعیین کننده شیوه ی عمل، احساس و اندیشه ی انسان آکادمیک در اجتماع علمی را در بر می گیرد.

با توجه به تعریف مذکور، فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آیین های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نمادهای

خاص، عینیت و تبلور می یابد و مهمترین کاربرد آن تعیین ایجاد و نوع خاص هویت برای انسان دانشگاهی است.

به تعبیر استعاری **تونی بچر**: فرهنگ دانشگاهی؛ قلمرو و مرزهای اجتماع علمی را مانند یک قبیله مشخص می سازد.

جایگاه و نقش فرد و عضو اجتماعی دانشگاهی در فرایندها و فعالیت‌های دانشگاهی، آموزشی و پژوهشی نیز توسط فرهنگ دانشگاهی معین می شود و عملاً فرد نمی تواند از مرزها و استانداردهای فرهنگی رشته ای، سازمانی، نهادی و گفتمانی فرهنگ علمی و دانشگاهی جامعه ی خاص خود سربلندی و تخطی کند. به تعبیر دیگر؛ نبوغ، نوآوری، پشتکار، شهامت و دیگر خصایص فردی نمی توانند بفرز فرهنگ علمی و دانشگاهی هر جامعه ای قرار بگیرند.

به همین دلیل است که علی رغم وجود استعدادهای فراوان در همه ی جوامع، تنها برخی از جوامع که زمینه ی فرهنگی و فرهنگ دانشگاهی مناسب، رشد علوم جدید را داشته اند، توانسته اند به توسعه ی علمی دست یابند. به عبارت دیگر، احداث بناها و ساختمانهایی به نام دانشگاه و فراهم کردن امکانات مادی و فیزیکی سخت افزاری مانند: کتابخانه، کلاس درس، استادو... برای توسعه ی علمی کفایت نمی کند، بلکه توسعه ی علمی مستلزم مجموعه ای از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری است، که یکی از زیربنایی ترین این امکانات فرهنگ دانشگاهی است.

تأکید بر عامل فرهنگ، به معنای نفع نقش عوامل اجتماعی و سیاسی دیگر نیست، بلکه تنها به معنای نشان دادن سهم یکی از عوامل مؤثر در

فرایند توسعه ی علمی است. سهمی که برخی از جامعه شناسان مانند: پیربوردیو آن را بیش از هر عامل دیگری دانند. همچنین باید توجه داشت که منظور از فرهنگ دانشگاهی، «جهت گیری های غالب در فرهنگ است» و این سخن به معنای نفع استثناها و جریانهای ضعیف تر فرهنگ در دانشگاهها نیست. به عقیده ی جامعه شناسان در هر جامعه یا گروهی، یکی «جهت گیری فرهنگی غالب» وجود دارد. آنها متذکر می شوند که ممکن است «جهت گیری های فرهنگی ضعیف» در بخشهای مختلف یک جامعه وجود داشته باشد. از این رو در دانشگاه و آموزش عالی هر کشوری، ممکن است سنتها و جریانهای ناغالب، محدود و حاشیه ای فراوانی وجود داشته و هر کدام نیز در جای خود تأثیرگذار باشند. اما در بررسی نظام آموزش عالی و دانشگاه ناگزیر باید جریان جهت گیری فرهنگی غالب را که عملکرد کلی و سرنوشت سیستم به آن وابسته است، مطالعه کرد.

۲-۲۱- جامعه پذیری دانشگاهی

موضوع اساسی دیگری که در فرهنگ دانشگاهی باید به آن توجه کرد، نحوه ی انتقال این فرهنگ است. فرهنگ دانشگاهی نیز مانند دیگر اشکال فرهنگ از طریق فرایند، جامعه پذیری دانشگاهی به دانشجویان منتقل می شود. این فرایند ابتدا از مدرسه آغاز و در مراحل بعد در دانشگاه تکامل پیدا می کند.

بورديو برپايه ی چنين نگرشي به انتقال فرهنگ دانشگاهي درمدرسه، استدلال مي کند که: «مهمترين دستاورد مدرسه و آموزش براي فرد، دانش ژرف و دقيق که فرد حاصل مي کندنيست، بلکه روشهاي کسب دانش، به دست آوردن عادات روحي خاص، روشهاي طرح پرسش و مسئله ورسيدن به موضع گيري هاي نظري، مهمترين دستاوردهاي يک سيستم آموزشي است.»

اما اين سخن به معنای آن نيست که اگرمدرسه نتوانست افراد را براي پذيرش نقشهاي دانشگاهي آماده کند، درمراحل بالاتر امکان جامعه پذيري مجدد فراهم نباشد. همانطورکه بررسي تجربی گسترده ی، اندرسون و همکارانش، در زمينه ی جامعه پذيري دانشگاهي ۲۰۰۰ دانشجو دکتری نشان داده اند، «خواستگاه اوليه و مبنای آداب و رسوم علم و به عبارت دقيقتر هنر نوع سوگيري هنجاري، تجربيات افراد در اجتماع علمي است.» بنا بر اين مي توان با برنامه ريزي و فراهم ساختن محيط دانشگاهي مناسب که فرد بتواند تجربيات لازم در اجتماع علمي را کسب کند، تا حدودی فرهنگ مناسب توسعه ی علم و شکل گيري هويت دانشگاهي در افراد را به وجود آورد. در اين زمينه عوامل مختلفی دخالت دارند و نبايد همه چيز را به نهاد دانشگاه محدود کرد.

اگرچه نهادهای علمي و آموزشي نقش مهمی در انتقال فرهنگ دانشگاهي و باورها و ارزشهاي مربوط به آن را دارند، اما همانند ديگر ابعاد فرهنگ، فرهنگ دانشگاهي از ديگر رسانه ها، خانواده و محيط اجتماعي تأثير

می پذیرد و هر یک از عوامل مذکور به نوعی بر شکل گیری و تکوین نوع خاصی از نظام ارزشهای فرهنگ دانشگاهی تأکید می کنند. در این زمینه نیز باید تفاوت میان جوامع مختلف را در نظر داشت، همانطور که سندرا هاردینگ در، آیا علم چندفرهنگی است؟ در یک بررسی جامع در زمینه ی علوم طبیعی و علوم پایه نشان داده است، علوم ماهیت چند فرهنگی دارد و فرهنگ نقش جعبه ی ابزار علم را ایفا می کند. ماهیت چندفرهنگی به این معناست که فرهنگهای مختلف، فهم ها و نسبتهای متفاوتی با علم دارند و به همین دلیل، جامعه و فرهنگ بیش از عوامل دیگر در زمینه ی توسعه یافتگی یا نیافتگی علم سهم و مسئولیت دارند.

۲-۲۲- تهاجم فرهنگی

فرهنگ حاکی از مکتب، اندیشه و ایده ی مردم است با تحقیق و آرامش باطنی طرفداران آن همراه است و با خشونت و هیاهو سازگار نیست و چون چنین واژه ی بدانجامی از ناحیه ی استکبار صورت می گیرد و در صدد نابودی فرهنگ اصیل اسلام است، همراه با هجوم و غوغا و شبیخون مطرح است.

آری این تهاجم همیشه بر ضد فرهنگ اصیل اسلامی بوده و در این مقطع از زمان فزونی گرفته است و باید به علل آن پی برد. تهاجم فرهنگی که خود به معنای شبیخون، هیاهو و جنجال گروهی است و به وسیله ی مهاجمین

فرهنگی صورت می گیرد و مصادیق فراوانی را دشمن در تمام ابعاد برای ما روشن کرده است.

- کوی دانشگاه، پیامد تهاجم فرهنگی

از عمده ترین موارد تهاجم فرهنگی استکبار، جریان کوی دانشگاه بود که با توطئه ای حساب شده و مزدورانه و مرموز به دست افراد معلوم الحال و بد سابقه که در جریانهای تخریبی دست داشتند به وجود آمد. آنها چادرها از سر زنان کشیدند، مساجد را آتش زدند، اموال مردم و بانکها را به آتش کشیدند و... میلیاردها تومان به اموال عمومی و دولتی خسارت و زیان رساندند. که بعد از دستگیری عاملان و اعتراف آنان که با تغذیه ی پولی از آمریکا و... قصد کودتا داشته اند.

با توجه به آنچه گفته شد، دانشجویان همیشه در جامعه نقش مهم و بسزایی داشته اند، آنان توانسته اند با پیگیری ها و تلاش روزافزون خود، فرهنگ و ارزشهای خود را شناسایی و در جهت انتقال به فرزندان خود و قشرهای بعدی جامعه نقش مهمی را ایفا کنند.

۲-۲۳- تعریف جامعه

امیل دورکیم جامعه را؛ موجودی زنده می شمارد و معتقد است همچنان که هر جاننداری تنها از اجتماع ساده سلولها به وجود نیامده و دارای حس عمومی و حیات می باشد، جامعه نیز تنها از گرد آمدن ساده ی افراد تشکیل نیافته بلکه دارای وجدان و روح جمعی است و مطالعه ی جلوه های وجدان جمعی (حالات روحی و عاطفی جمع) را می توان موضوع علم جامعه شناسی دانست.

گاستون بوتول؛ جامعه شناس فرانسوی جامعه را متشکل از گروه انسانی که دارای طرز فکری مشابه اند می داند که روابط آنها مبتنی بر تفاهم متقابل است.

مرتضی مطهری در کتاب جامعه و تاریخ؛ جامعه را مجموعه ای از افراد انسانی می داند که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاصی به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند. زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار هم و در یک منطقه زیست کنند و از یک نوع آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند. آهوان یک گله نیز باهم می چرند و با هم می خرامند و باهم نقل مکان می کنند اما زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی دهند.

زندگی انسان که اجتماعی است به معنی اینست که ماهیت اجتماعی دارد. از طرفی نیازها، بهره ها، برخورداریها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد. جزبا تقسیم کار و تقسیم بهره ها و رفع نیازمندی ها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست. از طرف دیگر نوعی از اندیشه ها، ایده ها، خلق و خویها بر عموم حکومت می کند و به آنها وحدت و یگانگی می بخشد و به تعبیر دیگر:

جامعه عبارت است از مجموعه ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورنند.

آلن پیرو در فرهنگ علوم اجتماعی تعاریفی چند از جامعه به قرار زیر را بدست می دهد:

- وحدت جزئی، جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، با برخورداری از حکومتی پایا، فراگیر و کارا، در جهت تحقق هدفی مشترک بین تمامی افراد.

- جمعی سازمان یافته، متشکل از افرادی که در سرزمین مشترک زندگی می کنند و به صورت گروهی با یکدیگر، در جهت ارضای نیازهای اجتماعی اساسی، همکاری دارند، فرهنگی مشترک دارند و هر گروه به صورت واحد اجتماعی متمایزی به کار می پردازند.

- گروهی متشکل از موجودات انسانی که با پیوندهای روانی، زیستی، فنی و فرهنگی، همبستگی یافته اند. با این تعریف می توانیم به تعریف جامعی از جامعه به قرار زیر اشاره کنیم:

«یک جامعه، جمعیتی سازمان یافته از اشخاصی است که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند، با همکاری درگروهها نیازهای اجتماعی و اصلی شان را تأمین می کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایزشناخته می شود.»

۲-۲۴- نقش دانشجویان در اطلاع رسانی و انعکاس صحیح تحولات جامعه

اطلاع رسانی تحولات جامعه ابتدا باید از طرف دولت و سپس رسانه های گروهی آغاز شود تا سرلوحه ای برای دانشجویان باشد. جوانان همیشه در هر زمان و در هر موقعیت احتیاج به نمونه و تجربه های مفید دارند.

لذا اگر دانشجویان بتوانند اطلاع رسانی صحیح را از دولت و رسانه های گروهی شاهد باشند، آنها نیز می توانند این اطلاعات را در اختیار جامعه قرار دهند. و اگر رسانه های گروهی نتوانند این اطلاع رسانی صحیح را داشته باشند، دانشجویان باید از کانالهای دیگر این اطلاعات صحیح را در اختیار افکار عمومی قرار دهند. در واقع دانشجویان باید همواره محرم راز و چشم بینای مردم باقی بمانند و در هر حال خود را به مردم متعد بدانند.

دانشجویان چون علم و آگاهی بیشتر دارند و بیشتر از سایر افراد جامعه در روند تحولات جامعه هستند، لذا لزوم آگاهی آنها از تحولات روز با توجه به این جایگاه ارزنده بسیار مهم است. اگر آنها نتوانند اطلاع رسانی و انعکاس خوبی از تحولات جامع به مردم داشته باشند، اثر و آفات نامطلوبی روی افکار عمومی خواهند داشت، زیرا انتظارات مردم از قشر تحصیلکرده به

مراتب از افراد عادی بیشتر می باشد. بنابراین وظیفه ی دانشجویان قدری در این زمینه حساستر می باشد.

دانشجویان باید با توجه به این جایگاه خود را متعهد به اطلاع رسانی مناسب به جامعه بدانند و مردم را در جریان تحولات بگذارند. سلیمانی می گوید: دانشجویان چشم و چراغ مردم هستند و امروزه همه به لزوم تأثیرگذاری دانشجویان در روند و شتاب تحولات جامعه پی برده اند.

چنانچه دانشجویان بتوانند وارد عرصه های اطلاع رسانی شوند و آن را مطابق با روند صحیح به جامعه عرضه نمایند، می توان شاهد توسعه ای موزون و همه جانبه بود، زیرا توسعه ی همه جانبه موقعی به ثمر می رسد که توازن در تمام بخشهای آن ایجاد شود و تجربه نیز نشان داده که فناوری های ارتباطی می توانند مردم را از نارسایی ها و کاستی های سایر بخشها آگاه کنند تا با رفع آنها بتوان به توسعه ی پایدار رسید.

دانشجو قبل از هر چیز جوای دانش است، دانشجو روشنگر است به این معنی که جامعه را باید به تفکر و هدایت در راههای درست سوق دهد. لازمه ی این کار نیز در دنیای امروز، اطلاع رسانی دقیق از روند تحولات جامعه به مردم است.

دانشجویان به طور حتم قشر تحصیل کرده ی جامعه هستند و با توجه به توانمندی های جمعیتی، فکری و ارتباطی که دارند می توانند نقش بسزایی در این مورد داشته باشند. البته باید با شناخت از مسائل مختلف و تجزیه و تحلیل و همینطور نگارش و تنظیم اطلاعات نسبت به موقعیت و فرهنگ جامعه ی خودشان، این اطلاع رسانی را به مردم بهتر و روانتر به انجام برسانند.

۲-۲۵- تأثیر حضور فعال و گسترده دانشجویان در عرصه های مختلف تجربه نشان داده هر جا که دانشجویان وارد شده، توانسته اند محیط و فضای پر نشاطی را بوجود آورند. عرصه اطلاع رسانی به عنوان یک عرصه پر هیجان و در عین حال مهم و سرنوشت ساز بویژه چند سالی است که با استقبال دانشجویان مواجه شده و انصافاً نیز در این راه علی رغم برخی اشتباهات، موفقیت‌های خوبی بدست آورده اند.

حتی در مواردی توانسته اند جریان سازیهایی را نیز ایجاد نمایند که در نوع خود مبارک و در عین حال قابل تامل است. مثلاً دانشجویان با ایجاد سوالات و ورود در برخی عرصه ها موجب شده اند که دولتمردان، احزاب سیاسی و حتی صاحب نظران را به لزوم مطالعه و پاسخگویی به این عرصه ها وادار سازند.

«اولین اثر این مشارکت و تعهد به مسئولیت‌های اجتماعی است، دانشجویان با این کار خود به دولتمردان و جامعه می فهمانند که در همه حال و در هر عرصه می توانند روی دانشجویان حساب کنند. حتی اگر این حضور عرصه‌ی حساس و چالش برانگیزی چون عرصه‌ی اطلاع رسانی باشد.

دوم اینکه دانشجویان می توانند با این حضور عرصه‌ی اطلاع رسانی را از خطاهای احتمالی پاک سازند. زیرا دانشجویان چون ایده‌ال طلب و آرمان‌گرا هستند و از تحریف و دروغ‌گری می‌بشند، قطعاً نمی‌گذارند که اطلاعات از کانال آنها با تحریف به اطلاع افکار عمومی برسد.»

فضای دانشگاه و جامعه در صورتی می تواند روند مطلوب خود را داشته باشد که مردم بتوانند از فرایند آن آگاهی داشته باشند. مردم باید بدانند در جامعه چه اتفاقی می افتد تا بتوانند در جریان آن نیز مشارکت داشته باشند. این حضور اگر فعال و گسترده باشد می تواند فضای علمی دانشگاهها را ارتقا دهد، چون دانشگاه ماکت والگوی کوچکتري از جامعه است، اگر دانشگاه در تکاپو فعالیت باشد، بالتبع آن جامعه نیز حرکت و پویایی خواهد داشت.

دانشجویان اگر بتوانند در این حوزه ها وارد شوند و مردم را واقعاً در جریان تحولات قرار دهند، در سطح دانشگاهی می توانند به تدریج تمام دانشجویان و حتی کسانی را که بی تفاوت هستند را با خود همراه سازند و نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری که مورد تأکید مقامات ارشد کشور است را در عمل به سوی تحقق نزدیک سازند و دانشگاهها را از حالت رخوت و سستی نجات دهند.

در سطح جامعه نیز می توانند اعتماد مردم را به نقش خود در هدایت امور دو چندان کنند و عملاً به اهرم مناسبی برای پیشرفت و توسعه ی کشور تبدیل شوند.

باید اول اطلاع رسانی صحیح داشته باشیم و بعد منتظر تاثیر حضور فعال دانشجویان بود. دانشگاه و دانشجو همیشه یک قطب بزرگ در تحولات جامعه و اهداف کلان آن کشور بوده و این خود نشان دهنده ی مهم بودن این قشر است. از جمله این تحولات که دانشجویان و قشر دانشگاهی در آن دخیل و تأثیر بزرگ و غیر قابل انکار داشته اند، پیروزی انقلاب اسلامی بوده

که سهم دانشجویان و اطلاع رسانی مردم از تحولات آن زمان بسیار چشم گیر بوده است.

۲-۲۶- چگونگی ایجاد شرایط برای حضور هرچه بیشتر دانشجویان

در عرصه ی اطلاع رسانی

دانشجویان با توجه به اینکه امکانات و توانایی های نرم افزاری را در اختیار دارند، در صورت وجود امکانات سخت افزاری می توانند این توانایی ها و ظرفیتها را بالفعل سازند. دولت اگر واقعاً می خواهد در این راه به دانشجویان کمک کند باید از هرگونه کمک سخت افزاری در این خصوص دریغ نکند، ضمن اینکه سعه ی صدر و انعطاف مناسبی نیز در برخورد با اشتباهات احتمالی دانشجویان داشته باشد.

همچنین دولت با عمل کردن به روند مجوز رسانه های سراسری دانشجویی مانند ایجاد خبرگزاری باید عملاً دانشجویان را در مسیر اطلاع رسانی گسترده و تعامل آنها با مردم قرار دهد.

دولت اگر بتواند شوق و رغبت دانشجویان را به عرصه ی اطلاع رسانی زیاد کند به نظر کمک بسیاری کرده است. یعنی اینکه دولت باید بتواند با هر وسیله ممکن توجه و رغبت دانشجویان را به عرصه ی اطلاع رسانی افزایش دهد. دولت باید ابتدا خود به لزوم و اهمیت نقش دانشجویان در عرصه ی اطلاع رسانی واقف شود تا در مراحل بعدی بتواند به آنها فرصت حضور دهد.

اگر دولت به این نتیجه برسد و دانشجویان را پل ارتباطی خود با افکار عمومی بداند می تواند با در اختیار قرار دادن و تسهیل در استفاده ی دانشجویان از یارانه های ارتباطی و چه در تأمین هزینه های مالی این زمینه را فراهم آورد. همچنین می تواند با صدور مجوز و ترغیب دانشجویان در تأسیس و راه اندازی مؤسسات خبری، استعدادهای فراوان دانشجویان در این عرصه را نیز به شکوفایی برساند.

دولت بر اساس قانون، مجری اداره کشور است شکی هم نیست که بانی اقدامات مثبت و ارزنده ای نیز بوده است. اما در عمل بسیاری از اقدامات آنها به گوش مردم نرسیده و حتی مردم انتقادهای فراوانی نیز از آنها دارند. دولت اگر واقعاً می خواهد مردم در جریان اقدامات آنها به نحو مطلوب قرار گیرند باید بتوانند از تمام ظرفیتهای جامعه استفاده کند. یکی از این ظرفیتهای دانشجویان است.

اگر دولت بتواند دانشجویان را وارد عرصه ی اطلاع رسانی کند و دست آنها را در انعکاس مطالب و اقدامات آنها حتی اگر در مواردی به انتقاد از دولت پردازند، باز بگذارد در عمل وفق بوده است، زیرا توانسته از نیروی عظیم فکری دانشجویان برای آگاه سازی مردم استفاده کند، دولت نباید از قدرت دانشجویان بترسد، بلکه باید از قدرت آنها به نحو مطلوب استفاده کند.

چیزی که مشخص است، دولت نمی تواند به طور خاص برای حضور دانشجویان در عرصه ی اطلاع رسانی و ارتباطات تأثیرگذار باشد پس دولت با بسترسازی و به خصوص سرمایه گذاری و مدیریت می تواند تأثیر

خوبی در این عرصه بگذارد و شرایط را برای حضور دانشجویان علاقه مند مساعد کند.

اگرما اینترنت را یکی از وسایل بسیار خوب برای عرصه ی اطلاع رسانی و ارتباطات بدانیم، دولت می تواند محدودیتهایی که در این مورد برای کاربرها و علاقه مندان وجود دارد بکاهد و با این کار کمک بزرگی در این عرصه انجام داده و حتی آموزشهایی برای دانشجویان برای استفاده از اینترنت و رایانه به عمل آورد، چون ما هنوز دانشجویانی داریم که با این همه پیشرفت هنوز آشنایی لازم از این امکانات را ندارند.

۲-۲۷- تشکلهای دانشجویی و فرهنگ سازی در جامعه

یکی از خصوصیات مثبت دانشجویان اقدامات و واکنشهای آنها در مقابل حوادث جامعه و مشکلات آن است. به عقیده ی بسیاری از متفکران، اقدامات و واکنشهای جوانان حاکی از نیاز آنان به فرهنگ جدید و یک انقلاب فرهنگی است.

در این زمینه اساتید و تشکلهای دانشجویی می توانند با رفتار، سخنان و موضع گیری ها و مقالات خود نقشهای مهمی را در ایجاد فرهنگ جدید و فرهنگ پذیری دانشجویان ایفا نمایند. آنها می توانند آثار، باورها، ارزشها و میراث فرهنگی و علمی گذشته و حال اسلام و ایران را برای دانشجویان بررسی، تحلیل، نقد و ارزیابی نموده و زمینه ی اشاعه و ترویج آنها را فراهم نماید و بدین ترتیب پیوندی راهگشا میان فرهنگ سنتی و فرهنگ جدید ایجاد نمایند.

تشکلهای دانشجویی می توانند دارای کارکردهای گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی باشند. تشکلهایی که دارای مرامنامه و اساسنامه هستند، می توانند با تدوین اهداف و برنامه های خود ادامه حیات دهند و جایگاه واقعی خود را در دانشگاه و جامعه به دست آورند.

علاوه بر این باعث ساماندهی دانشگاهها براساس ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه شوند تا قدرت پاسخگویی به نیازهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را داشته باشند و بدین طریق با شناسایی نیازهای ملی کشور ساختار علمی و تکنولوژی بومی را شکل دهند، ساختاری که بعداً توسعه را در کشور سرعت دهد.

تشکلهای دانشجویی به دلیل کارکردهای آشکار و پنهان سیاسی و پاسخگویی به مجموعه ی متنوع گرایشها، می توانند نقش مهمی در ایجاد مناسبات و کارکرد سالم و بایسته ی سیاسی دانشگاه داشته باشند.

۲-۲۸- دانشگاه ودانشجو

امام چه قبل وچه بعد ازانقلاب اسلامی برای دانشگاه اهمیت ویژه ای قایل بودند واعتقاد داشتند:«ترقی مملکت به دانشگاه است».ایشان معتقد بودند رژیم پهلوی باعث شده بود دانشگاهها پیشرفت نکنند،لذا می فرمودند:

«اینها دانشگاهها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه می داشتند،نمی گذاشتند که اساتید ما درست دانشجویان ما را تعلیم دهند واین هم برای این بود که می دانستند بعد از آنکه آنها ازدانشگاه بیرون بیایند، ضداستعمار بیرون می آیند.»

چنانچه ملاحظه می شود دراندیشه ی امام،دانشگاه نقش اساسی را در دادن فکر سیاسی- اجتماعی به دانشجو دارا می باشد،ازاین رو می فرمودند:«نقش دانشگاهها در هرکشوری ساختن انسان است.ممکن است ازدانشگاه انسان خارج بشود که یک کشور را نجات بدهد وممکن است که یک انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند.»

ازنظر حضرت امام،اساتید دانشگاه ضمن انجام وظایف استادی می توانند در تربیت دانشجویان نقش مؤثری ایفا نمایند،ایشان می فرمایند:

«ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که بتوانند مغزهای جوانان ما را مستقل بار بیاورند.»

- دانشجو واقشار دیگر

از دید امام خمینی دانشجو قشر آگاهی است که می تواند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نماید، اما ایشان معتقد است دانشجو برای اینکه بتواند نقش خود را کامل نماید باید در کنار سایر اقشار اجتماعی از جمله: روحانیون، بازاریان، نظامیان و عامه ی مردم باشند.

«از مجموع ۱۲۵ پیامی که حضرت اما درباره ی نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان بیان داشته اند در ۱۱۰ پیام به همراهی و همیاری دانشجو با روحانیون تأکید کرده اند.»

مرور براندیشه های حضرت امام(ره) نشان می دهد که امام در میان اقشار مختلف اجتماعی برای دانشجویان جایگاه متمایز قایل است و همواره تأکید دارد که با قشر ممتاز دیگر، یعنی حوزویان در ارتباط باشند تا بتوانند در تحولات، نقش محوری ایفا نمایند. امام معتقد بود توطئه ای در کار بوده و هست تا روحانی و دانشجو را به جان هم بیندازند و با استفاده از اختلاف آنها به کشور آسیب برسانند.

ایشان معتقد بودند که دشمنان در این نقشه تا حدودی موفق شده بودند، از این رو امام به دانشجویان توصیه می کرد در کنار سایر اقشار اجتماعی و به ویژه روحانیون قرار گیرند، زیرا ائتلاف این دو قشر را ائتلاف همه ملت می دانستند.

دانشجویان با آگاهی کامل و علم به ارزشها و نه از روی اجبار بلکه اختیار کامل، هدف ارزشها که تکامل روحی انسان است و ملازم با سعادت ابدی وی می باشد، با راهنمایی عقل خویش و انگیزه ی صحیح به سوی پیشرفت و اعتلای جامعه ی خویش گامهای مهمی را برداشته اند.

دانشجویان همواره می توانند نقش آفرینی کنند، آنان به راحتی می توانند فرهنگ یک جامعه را تغییر دهند، دانشجویان نقش مهمی در انتقال دانش دارند و باید قدر و منزلت خویش را بهتر بدانند. دشمنان نیز همیشه دست بر روی دانشگاهها می گذارند و سعی کرده اند دانشجویان را بر علیه فرهنگ خویش بشورانند.

البته دانشجویان اگر علم واقعی و تفکر را سرلوحه ی خویش قرار داده و با انگیزه ی صحیح روبه علم آورده باشند، هیچگاه دچار تردید و دودلی و یأس از فرهنگ خویش نمی شوند، همانطور که در روایات گفته شده: «رأس همه ی فضیلتها دانش و غایت تمام برترها علم است.»

دانش زینت توانگران و زیبایی تهیدستان است و هیچ شرفی مانند دانش نیست. دانشجویان می توانند اساس تمام امور خیر باشند و نزدیکترین مردم به درجه ی پیامبری اهل علم و جهادند.

دانشجویان به عنوان عالمان جامعه اند، در تفکر اسلامی عالم به عابد برتری دارد، زیرا عابد به فکر رهایی خویش است و علم به تعلیم و تربیت دیگران می پردازد و آنان را از ظلمات به نور رهسپار می کند.

دانشجویان و جویندگان علم و دانش سعادت مندترین انسانها هستند و آنان با نشر علم و تعلیم و تربیت جایگاه ویژه ای در نزد مردم و در آخرت نزد

پروردگار دارند. بنابراین دانشجو با حفظ همه ی ارزشها و انتقال آن به سطح جامعه زکات علم خویش را پرداخته و توانسته است گاهی در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه ی خویش گام بردارد.

– نقش دانشجویان دانشگاه پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی

با توجه به اینکه دانشجویان پیام نور درصد زیادی از حجم جامعه ی دانشجویی را در بر گرفته اند، می توانند بسیار نقش آفرینی کنند و از آنجا که اکثر وقت خود را در محیط کار و یا بیرون از آن، در خانه و کنار خانواده و یا در سطح اجتماع هستند می توانند تأثیر زیادی بر اقشار جامعه داشته باشند.

دانشجویان پیام نور می توانند با بینش و آگاهی و بصیرت اجتماعی، دیگر افراد جامعه را با ارزشها آشنا کرده و خطر بیگانه شدن از خود و تلاش استکبارگران یادآوری کرده و از آنجا که با دیگر دانشجویان ارتباط داشته می تواند جامعه را به سوی همدلی، وحدت کلمه و حفظ ارزشها یاری رساند.

در این روش تحقیق ما می خواهیم نقش دانشجویان دانشگاه پیام نور را در انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه بیان کنیم. این اصطلاحات تا حدودی تعریف شده است. ما در این تحقیق روش علی و معلولی را پیاده کرده ایم.

۳-۳۱- جامعه ی آماری

جامعه ی مورد مطالعه ی ما در این تحقیق کلیه ی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور مشهد می باشد.

۳-۳۲- حجم نمونه و شیوه ی نمونه گیری

در این پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور مشهد به عنوان نمونه انتخاب شده اند، پرسشنامه ی لیکرت اجرا گردید و پس از جمع آوری پرسشنامه ها و جمع آوری نمرات و بدست آوردن فراوانی ها، سؤالات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳-۳۳- ابزار اندازه گیری

در این تحقیق برای دستیابی به یک سری اطلاعات برای تعیین تأثیر دانشجویان پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی پرسشنامه ی لیکرت تهیه شد.

۳-۳۴- روش اجرا

روش آماری که در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل انتخاب گردیده از نوع تحقیق علی و معلولی می باشد.

سؤال ۱. میزان تأثیر دانشجویان پیام نور در انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه چگونه است؟

$$(5 \times 11 + 4 \times 23 + 3 \times 42 + 2 \times 20 + 1 \times 4) \div 100 = 3/17$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۱۷ درصد.

سؤال ۲. عملکرد انتقال ارزشهای فرهنگی توسط دانشجویان پیام نور چگونه است؟

$$(5 \times 5 + 4 \times 29 + 3 \times 47 + 2 \times 12 + 1 \times 6) \div 100 = 3/60$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۶۰ درصد.

سؤال ۳. بررسی مشکلات دانشجویان در رسیدن به اهداف ارزشی در جامعه چگونه است؟

$$(5 \times 5 + 4 \times 12 + 3 \times 33 + 2 \times 35 + 2 \times 15) \div 100 = 2/57$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲/۵۷ درصد.

سؤال ۴. کیفیت عملکرد دانشگاهها برای موفقیت دانشجویان در انتقال ارزشهای فرهنگی چه میزان است؟

$$(5 \times 4 + 4 \times 15 + 3 \times 25 + 2 \times 43 + 1 \times 13) \div 100 = 2/54$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲/۵۴ درصد.

سؤال ۵. میزان همکاری سایر نهادها با دانشگاه ودانشجو در زمینه ی انتقال ارزشها چقدر است؟

$$(۵ \times ۷ + ۴ \times ۱۷ + ۳ \times ۲۳ + ۲ \times ۳۱ + ۱ \times ۲۲) \div ۱۰۰ = ۲/۵۶$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲/۵۶ درصد.

سؤال ۶. کیفیت عملکرد راهکارهای عملی ومناسب برای آگاهی دانشجویان در زمینه انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه چقدر است؟

$$(۵ \times ۱۷ + ۴ \times ۴۸ + ۳ \times ۲۷ + ۲ \times ۵ + ۱ \times ۴) \div ۱۰۰ = ۳/۹$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۹ درصد.

سؤال ۷. نحوه ی اطلاع رسانی فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور چگونه است؟

$$(۵ \times ۳ + ۴ \times ۱۰ + ۳ \times ۲۲ + ۲ \times ۵۰ + ۱ \times ۱۵) \div ۱۰۰ = ۲/۳۶$$

میانگین این سؤال برابر است با $۲/۳۶$ درصد.

سؤال ۸. تأثیر تشکلهای دانشجویی در انتقال ارزشهای فرهنگی چگونه است؟

$$(۵ \times ۲۲ + ۴ \times ۳۰ + ۳ \times ۳۲ + ۲ \times ۱۱ + ۱ \times ۵) \div ۱۰۰ = ۳/۵۳$$

میانگین این سؤال برابر است با $۳/۵۳$ درصد.

سؤال ۹. کیفیت عملکرد دانشگاه درباره ی مشکلات فرهنگی جامعه به صورت آموزشهای غیر رسمی چگونه است؟

$$(5 \times 7 + 4 \times 8 + 3 \times 27 + 2 \times 42 + 1 \times 16) \div 100 = 2/48$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲/۴۸ درصد.

سؤال ۱۰. نگرش خانواده در اهمیت دادن به مسایل فرهنگی جامعه چه تأثیری بر عملکرد دانشجو دارد؟

$$(5 \times 12 + 4 \times 42 + 3 \times 38 + 2 \times 5 + 1 \times 4) \div 100 = 3/56$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۵۶ درصد.

سؤال ۱۱. سطح شناخت دانشجویان درباره ی مشکلات فرهنگی جامعه چگونه است؟

$$(5 \times 6 + 4 \times 21 + 3 \times 41 + 2 \times 25 + 1 \times 7) \div 100 = 2/94$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲/۹۴ درصد.

سؤال ۱۲. کیفیت عملکرد سطح تحصیلات دانشجویان در برخورد مشکلات فرهنگی جامعه چگونه است؟

$$(5 \times 17 + 4 \times 48 + 3 \times 27 + 2 \times 5 + 1 \times 4) \div 100 = 3/9$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۹ درصد.

سؤال ۱۳. میزان آگاهی دانشجویان نسبت به اصول فرهنگی در جامعه؟

$$(5 \times 12 + 4 \times 32 + 3 \times 33 + 2 \times 16 + 1 \times 7) \div 100 = 3/26$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۲۶ درصد.

سؤال ۱۴. چگونگی عملکرد دانشجویان در تقویت مسئولیتها و شایستگی اجتماعی در جامعه؟

$$(5 \times 13 + 4 \times 43 + 3 \times 31 + 2 \times 8 + 1 \times 5) \div 100 = 3/51$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۵۱ درصد.

سؤال ۱۵. کیفیت عملکرد دانشجویان در گسترش نگرشها و نظریه های جدید عملی در جامعه؟

$$(5 \times 17 + 4 \times 33 + 3 \times 34 + 2 \times 12 + 1 \times 4) \div 100 = 3/59$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۵۹ درصد.

سؤال ۱۶. کیفیت عملکرد دانشجویان در پرشدن شکافهای ارزشی و فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه؟

$$(5 \times 13 + 4 \times 44 + 3 \times 32 + 2 \times 6 + 1 \times 5) \div 100 = 3/54$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۵۴ درصد.

سؤال ۱۷. تأثیر برقراری ارتباط دانشجویان و اساتید در انتقال ارزشهای فرهنگی؟

$$(5 \times 15 + 4 \times 26 + 3 \times 30 + 2 \times 19 + 1 \times 10) \div 100 = 3/7$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۷ درصد.

سؤال ۱۸. کیفیت عملکرد کانونهای تفکر و نظریه پردازی در دانشگاه و تأثیر آن در انتقال ارزشها توسط دانشجویان؟

$$(5 \times 23 + 4 \times 34 + 3 \times 27 + 2 \times 10 + 1 \times 6) \div 100 = 3/58$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۵۸ درصد.

سؤال ۱۹. چگونگی عملکرد روحیه ی خلاق و نوآور دانشجویان در انتقال ارزشهای فرهنگی؟

$$(۵ \times ۷ + ۴ \times ۳۵ + ۳ \times ۳۸ + ۲ \times ۱۴ + ۱ \times ۶) \div ۱۰۰ = ۲۳/۳$$

میانگین این سؤال برابر است با ۲۳/۳ درصد.

سؤال ۲۰. میزان تأثیر دانشجویان در جهت انطباق علم و تکنولوژی با ساختار فرهنگی جامعه چگونه است؟

$$(۵ \times ۶ + ۴ \times ۳۵ + ۳ \times ۳۴ + ۲ \times ۱۶ + ۱ \times ۹) \div ۱۰۰ = ۳/۳$$

میانگین این سؤال برابر است با ۳/۳ درصد.

۳-۳۵- پیشنهادها

توسعه ی علمی دانشگاهها نیازمند بکارگیری دانش و فرهنگ سازگار مطلوب با آرمانها و باورهای یک جامعه است، به منظور اینکه توسعه و تولید دانش با جهت گیری های اخلاقی و ارزشی جامعه ما عجین گردد و بستر رشد خلاقیت و نوآوری علمی جامعه را فراهم نماید، آموزش عالی باید به عنوان کانون انتقال دهنده ی علم و دانش به صورت همسو و هماهنگ عمل نماید.

آموزش عالی باید فعالیتهای آموزشی و درسی خود را به گونه ای برنامه ریزی کند که ضمن تقویت و توسعه ی دانش، آن را در راستای فرهنگ، باورها و نیازهای جامعه درونی کند و باور به قابلیت و توانمندی علم در حل مشکلات زندگی را به عنوان یک عنصر فرهنگی، سازگار با توسعه ی بومی تقویت نماید.

برای ایجاد محیطی مناسب در دانشگاه جهت انتقال ارزشهای فرهنگی، توسط دانشجویان راهکارهایی وجود دارد که به مواردی از آن در این بخش اشاره می شود:

- برقراری ارتباط تشکلهای دانشجویی با مسئولین دانشگاه

همانطور که گفته شد تشکلهای دانشجویی می توانند در جهت تقویت کارکردهای آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی و علمی دانشگاهها اقدام کنند.

بنابراین مسئولین دانشگاهها با برقراری ارتباط با تشکلهای و برگزاری جلسات، بیشتر در جریان اموردانشجویان قرارگرفته و زمینه‌ی مناسبی را برای انتقال فرهنگ در جامعه فراهم می‌کنند.

– انتشار نشریات فرهنگی در میان دانشجویان

با توجه به نامگذاری این عصر به عصر ارتباطات، مسلماً اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف ضروری است و یکی از ابزارهای مهم در بالا بردن سطح فکری، فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشد. و درکل موجب آگاهی بیشتر دانشجویان در زمینه‌های مختلف، در عصری که در آن زندگی می‌کنند می‌شود.

انتشار نشریات فرهنگی در میان دانشجویان، باعث تقویت ارزشها در میان آنها شده و هرچه بهتر زمینه‌ی انتقال فرهنگ را فراهم می‌سازد.

– برگزاری همایشهای فرهنگی با حضور اساتید مجرب

اساتید دانشگاه ضمن انجام وظایف استادی می‌توانند در تربیت دانشجویان نقش مؤثری ایفا نمایند.

برگزاری همایش با موضوعات فرهنگی و استفاده از حضور اساتیدی که در این زمینه تجربه کافی را داشته باشند، راهگشای حل مسائل فرهنگی و روشی برای مبارزه با ضد ارزشهاست.

۳-۳۶- محدودیتهای تحقیق

انجام فعالیتهای پژوهشی با محدودیتهایی روبرو است، که شناسایی و درک این محدودیتها بایستی قبل از انجام عملی تحقیق و در جریان تهیه و طرح نقشه ی فکری تحقیق صورت گیرد.

- محدودیتهای این تحقیق عبارتند از:

محدودیتهایی که از عهده ی کنترل ما خارج بوده، مانند محدودیتهای موجود در عدم کنترل همه ی متغیرهای بازیگر در موقعیت پژوهشی، عدم دسترسی به کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور و نشان ندادن رغبت کافی از سوی آنها برای پاسخگویی به پرسشنامه.

دانشجوی عزیز؛ ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای شما، خواهشمند است به پرسشهای زیر پاسخ دهید، نهایت دقت شما موجب خواهد شد تحقیق موردنظر به واقعیت نزدیکتر باشد.

۱- میزان تأثیر دانشجویان پیام نور درانتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۲- عملکرد انتقال ارزشهای فرهنگی توسط دانشجویان پیام نور چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۳- بررسی مشکلات دانشجویان در رسیدن به اهداف ارزشی در جامعه چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۴- کیفیت عملکرد دانشگاهها برای موفقیت دانشجویان در انتقال ارزشهای فرهنگی چه میزان است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۵- میزان همکاری سایر نهادها با دانشگاه پیام نور و دانشجو در زمینه انتقال ارزشها؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۶- کیفیت عملکرد راهکارهای عملی و مناسب برای آگاهی دانشجویان در زمینه انتقال ارزشهای فرهنگی در جامعه؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۷- نحوه ی اطلاع رسانی فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۸- تأثیر تشکلهای دانشجویی در انتقال ارزشها چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۹- کیفیت عملکرد دانشگاه درباره ی مشکلات فرهنگی جامعه به صورت

آموزشهای غیر رسمی چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۰- نگرش خانواده در اهمیت دادن به مسائل فرهنگی جامعه چه تأثیری بر

عملکرد دانشجو دارد؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۱- سطح شناخت دانشجویان درباره ی مشکلات فرهنگی جامعه چگونه

است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۲- کیفیت عملکرد سطح تحصیلات دانشجویان در برخورد مشکلات فرهنگی

جامعه چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۳- میزان آگاهی دانشجویان نسبت به اصول فرهنگی در جامعه؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۴- چگونگی عملکرد دانشجویان در تقویت مسئولیتها و شایستگی های

اجتماعی در جامعه؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۵- کیفیت عملکرد دانشجویان در پرشدن شکافهای ارزشی و فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۶- کیفیت عملکرد دانشجویان در گسترش نگرشها و نظریه های جدید عملی در جامعه؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۷- تأثیر برقراری ارتباط دانشجویان و اساتید در انتقال ارزشهای فرهنگی؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۸- کیفیت عملکرد کانونهای تفکر و نظریه پردازی در دانشگاه و تأثیر آن در انتقال ارزشها توسط دانشجویان؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۱۹- چگونگی عملکرد روحیه ی خلاق و نوآور دانشجویان در انتقال ارزشهای فرهنگی؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

۲۰- میزان تأثیر دانشجویان در جهت انطباق علم و تکنولوژی با ساختار فرهنگی جامعه چگونه است؟

الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) بد (ه) خیلی بد

منابع و مآخذ

۱. فرهنگ و دانشگاه- مؤلف؛ نعمت الله فاضلی- نشر ثالث- چاپ؛ رهنما- ۱۵۰۰ نسخه.
۲. ارتباط بین فرهنگها- مؤلف؛ لاری. ا. سامووار، ریچارد. ای پورتر، لیزا. ا. استفانی- مترجم؛ غلامرضا کیانی، سید اکبر میرحسینی- انتشارات باز- ۳۰۰۰ نسخه.
۳. روانشناسی نوجوانی- مؤلف؛ حسن احدی، نیکچهر محسنی- انتشارات رشد- ۱۳۷۵.
۴. دانشگاه و توسعه ی فرهنگی- مؤلف؛ محمود رئوفی- فصلنامه ی پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ی ۲، سال سوم.
۵. فلسفه ی ارزشها- مؤلف؛ مدرسی
۶. تهاجم فرهنگی- مؤلف؛ سید مرتضی حسینی اصفهانی

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل سوم

www.kandoo.cn.com

روش تحقیق

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل چهارم

www.kandoo.cn.com

یافته ها و

داده ها

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل پنجم

www.kandoo.cn.com

تجزیه و تحلیل

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل ششم

www.kandoo.cn.com

پیشنهادات

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فهرست مطالب و عناوین

صفحه

عنوان

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: طرح تحقیق

۱-۱- چکیده ی تحقیق

۱-۲- بیان مسئله

۱-۳- اهمیت مسئله

۱-۴- اهداف پژوهش

۱-۵- فرضیات پژوهش

فصل دوم: سابقه ی موضوع تحقیق

۲-۱- تعریف ارزش

۲-۲- ارزش در اسلام

۲-۳- ارزشها در فرهنگ بشر

۲-۴- مفهوم ارزش در جامعه شناسی

۲-۵- ارزشهای فرهنگی

۲-۶- نظام ارزشها و نوع آموزش در دانشگاهها

- ۱۲-۲- نظام ارزشی ورشته ی تحصیلی
- ۱۳-۲- نظام ارزشها وبرتری تحصیلی
- ۱۴-۲- نظام ارزشها وجنسیت
- ۱۵-۲- تعاریف واژه ی فرهنگ
- ۱۶-۲- عملکردهای اساسی فرهنگ
- ۱۷-۲- ارتباط فرهنگها
- ۱۸-۲- ارتباط بین فرهنگی
- ۱۹-۲- ساختار فرهنگی
- ۲۰-۲- فرهنگ دانشگاهی
- ۲۱-۲- جامعه پذیری دانشگاهی
- ۲۲-۲- تهاجم فرهنگی
- ۲۳-۲- تعریف جامعه
- ۲۴-۲- نقش دانشجویان در اطلاع رسانی وانعکاس صحیح تحولات جامعه
- ۲۵-۲- تأثیر حضورفعال وگسترده ی دانشجویان در عرصه های مختلف
- ۲۶-۲- چگونگی ایجاد شرایط برای حضور هرچه بیشتر دانشجویان درعرصه ی اطلاع رسانی
- ۲۷-۲- تشکلهای دانشجویی وفرهنگ سازی در جامعه
- ۲۸-۲- دانشگاه و دانشجو
- ۲۹-۲- نتیجه گیری
- فصل سوم: روش تحقیق
- ۳۰-۳- روش تحقیق

۳-۳۱- جامعه ی آماری

۳-۳۲- حجم نمونه و شیوه ی نمونه گیری

۳-۳۳- ابزار اندازه گیری

۳-۳۴- روش اجرا

فصل چهارم: یافته ها و داده ها

فصل پنجم: تجزیه تحلیل

فصل ششم: پیشنهادات

۳-۳۵- پیشنهادات

۳-۳۶- محدودیتهای تحقیق

پرسشنامه

منابع و مآخذ

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com